ادامه از صفحه اول

اعضای جدید شورا و قطار از ریل خارج‌شده تهران

از وقتی مدرنیزاسیون رضاخانی در شهر تهران با تخریب دروازه‌های تاریخی و کوشک‌ها و کاخ‌های دوره قاجار و خانه‌های تاریخی شهر تجسد یافت تا اکنون که قلب شهر تهران، بافت فرسوده لقب می‌گیرد و نه بافت تاریخی و بر کوبیدن و از نو ساختنش از هم سبقت می‌گیریم، همه نشان از آن دارد که تصور مدیران شهری از توسعه تهران چه اندازه نادرست بوده است. این بدان معنا نیست که هر آنچه تخریب و سپس نو شده، بد بوده است، معنی این سخن این هم نیست که نباید زیرساخت‌های مدرن در شهر تهران ایجاد می‌شده و باید همان ساختار قبلی با تمامی عناصرش حفظ می‌شده، بلکه بدین معناست که ضرورت اجتناب‌ناپذیر مدرن‌شدن شهر تهران باید براساس توجه به عناصر تاریخی، هویتی و فرهنگی آن شکل می‌گرفته است. اساسا تدوین الگوی توسعه فقط متمرکز بر حذف و نابودی نیست و بخش مهم یک الگوی توسعه شهریِ موفق، بر تکثیر و ترویج مزیت‌های تاریخی و فرهنگیِ شهر متمرکز است. شهر موجودی زنده است و مانند من و شما تاریخ و هویت و فرهنگ خاص خودش را دارد، مانند هر موجود زنده دیگر هم بیماری‌ها و اشکالات خاص خود را دارد. این بدن زنده برای آنکه شاداب و تندرست باشد هم به لباس نو احتیاج دارد هم به روان و روح سالم. تهرانی که نسل ما و نسل قبل‌تر از ما متولی توسعه‌اش بوده‌اند، از توسعه فقط لباسی عاریتی و بی‌تناسب با قد و قواره نصیبش شده است. شهر برای آنکه زنده باشد و زنده بماند، به تعامل هم‌زمان و به‌قاعده سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌اش نیاز دارد. وقتی در الگوی توسعه شهری، ساخت برج شیک و اتوبان پهن تنها برنامه مدیر شهری می‌شود، این واحد ارزشی به شهروندان آن شهر هم سرایت می‌کند. «هر چیزی شیک‌تر، جدیدتر، شمالی‌تر و وسیع‌تر باشد بهتر است»، اکنون الگوی ارزشی رایج در شهر تهران شده و ناخودآگاه بر تصمیم‌های مدیران و شهروندان این شهر مسلط است، به‌همین‌دلیل شهروندی که محل سکونتش جایی است که هر روز در خیابان سی تیر قدم می‌زند، از جلوی سردر باغ ملی می‌گذرد یا ساعتش را با برج شمس‌العماره تنظیم می‌کند، از بودن در محله‌اش لذت نمی‌برد. الگوی زیست بهتر در تهران بی‌توجه به عناصر تاریخی و فرهنگی‌اش صرفا بر هرچه جدیدتر و شمالی‌تربودن نضج یافته و لاجرم همان‌گونه که مهاجرت به کلان‌شهر تهران به‌عنوان یک نشانه موفقیت جا افتاده است، مهاجرت از همه‌جای تهران به شمال شهر و بکوب و از نو بساز هم الگوی درون‌شهری کامیابی است. حذف سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی شهر و تکیه صرف بر سرمایه‌های اقتصادی و مدرنیزاسیون شکلی (و نه محتوایی) ارزش‌های ذهنی ساکنان شهر را می‌سازد و درجه دسترسی یا عدم دسترسی به این الگوی ارزشی در دل خود مدل درون‌شهری نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی را شکل می‌دهد.وقتی خانه نوساز شمال شهر تهران تنها عنصر لذت‌بخش شهروند باشد یا شما به آب و آتش می‌زنید که به این لذت دست یابید یا به این نابرابری دیکته‌شده تن می‌دهید، هجوم عجیب و نابودکننده به مناطق شمالی شهر تهران و فاجعه تخریب باغ‌ها و ساخت برج‌های چندده طبقه در کوچه‌های تنگ و باریک و فسادهای مالی و اداری مترتب بر آن از همین‌جا نشئت می‌گیرد. همان‌گونه که اشاره شد شهر زنده است و همان‌گونه که تندرستی‌اش ساکنان شهر را تندرست نگه می‌دارد، اشکالاتش هم بر سر ساکنانش آوار می‌شود. وقتی توسعه شهری بی‌توجه به سرمایه‌های تاریخی‌اش باشد، همسایگی با خانه اتحادیه و عمارت مسعودیه بی‌ارزش می‌شود، سکونت در خانه‌ای با باغچه و حوض و معماری اصیل جان‌فرسا می‌شود و شهروند حاضر می‌شود بفروشد و بکوبد تا یا جدیدترش را بسازد یا شمالی‌تر زندگی کند. رضایت و لذت زندگی در یک شهر به تعامل دوسویه شهر و شهروند برمی‌گردد. شهر تهران با این الگوی توسعه شهری در غالب فضاهایش فقط تعامل اقتصادی با شهروندان برقرار می‌کند و در برقراری تعامل تاریخی، فرهنگی و هویتی الکن و ناکاراست. در چنین فضای تعاملیِ نادرستی، شهرفروشی، تاریخ‌فروشی و فرهنگ‌فروشی تنها برنامه مدیران شهری می‌شود؛ نه اینکه آگاهانه بخواهند چنین کنند بلکه الگوی غلط ولی مسلط از آنها چنین مطالبه می‌کند و شوربختانه شاخص ارزیابی عملکردشان هم از همین الگو استخراج می‌شود.

سخن آخر

انتخاب اعضای جدید شورای شهر تهران و همچنین عوض‌شدن مدیر شهر تهران می‌تواند اتفاقی خجسته باشد اگر مدیران و تصمیم‌گیران جدید این قطار از ریل خارج‌شده را به مسیر درستش برگردانند. تهران تاریخش را می‌خواهد، هویتش را می‌خواهد، اینها نه منابعی فرعی و دست‌چندم برای شهر بلکه منابع حیاتی شهرند. اگر برج و اتوبان و تونل شهری تمام آن چیزی است که این شهر به ساکنانش عرضه می‌کند، چرا دوبی زندگی نکنیم؟ آنجا بهتر و لوکس‌ترش را می‌توان دید و داشت. عناصر تاریخی و فرهنگی شهر تهران تجدیدناپذیرند. وقتی رضاخان کوشک فتحعلی‌شاهی را در شمال میدان بهارستان خراب کرد و به‌جایش این مغازه‌ها را ساخت دیگر تمام شده است؛ شما نمی‌توانید از نو بسازیدش و اگر هم ساختید تهی از تاریخ و فرهنگ خواهد بود.

*رئیس میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

عکس: امیر جدیدی، شرق

بررسی تبعات خروج از شورا برای تصدی مسئولیتی دیگر در گفت‌وگوی «شرق» با محمدجواد حق‌شناس

به مردم برمی‌خورد

معصومه اصغری: منتخب دوره پنجم شورای شهر تهران، تبعات منفی خروج از شورا برای تصدی مسئولیتی غیر از شورا را در گفت‌وگو با «شرق» تشریح کرد و با ذکر مثالی تجربه‌شده، گفت: در دوره دوم شورای شهر تهران وقتی لیست آبادگران ایران اسلامی وارد شورا شدند و پیشنهادهای زیادی از سوی دولت احمدی‌نژاد که برآمده از همین شورا هم بود، برای اعضا وجود داشت، برای اینکه لیست دست نخورد و آقای تاج‌زاده که اولین عضو علی‌البدل بود وارد نشود، چهار سال بدون تغیر کار کردند و هیچ‌کدامشان استعفا ندادند و از شورا خارج نشدند.

محمدجواد حق‌شناس، منتخب دوره پنجم شورای شهر تهران، همچنین در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود برای شفافیت برخی حواشی ایجادشده این روزهای شورای پنجمی‌ها، درباره خبر شرط پرداخت دومیلیاردتومانی برای رفتن در لیست امید که در هفته‌های گذشته نقل محفل و سرگرمی جریان‌های بازنده انتخابات شده بود، به «شرق» توضیحاتی داد.

او شروع‌کننده این خبرسازی را حسین شریعتمداری خواند و گفت: وی دنبال مقاصد خاص خود از این خبرسازی بود که جای پیگیری کیفری هم داشت، ولی بعد از ماجرای ترور در مجلس و ضرورت هم‌گرایی ملی، موضوع پیگیری نشد. او با بیان اینکه باید بپرسیم اصلا این پول را کی داده و کی گرفته در توضیح بیشتری به گفت‌وگوی سابق فاطمه دانشور و محمد حقانی اشاره کرد و گفت: خانم دانشور ادعا کرده است شش ماه قبل از اینکه لیستی شکل بگیرد، گفت‌وگویی با آقای حقانی داشته که اگر می‌خواهید در شورا باشید لازم است به لیست و تبلیغات لیست کمک کنید. موضوع از پایه ایراد دارد؛ چون دراین‌میان آقای حقانی مقام مسئول و مرتبطی نبوده است؛ او اگر هم می‌توانست، خودش را در لیست می‌گذاشت. از سوی دیگر از خانم دانشور هم که این ادعا را مطرح کرده است، باید پرسید چرا قبل از انتخابات این ادعا را نداشتند؟ حق‌شناس می‌گوید فارغ از همه این موارد دومیلیارد رقمی برای چنین موضوعاتی نیست و ادامه می‌دهد: درعین‌حال عدد کسی که گفته می‌شود این پول را گرفته، یعنی آقای کرباسچی، در این دوره و زمان دو میلیارد است؟ این موضوع از اساس، پایه‌ای ندارد. این عضو منتخب شورای پنجم شهر تهران در ادامه درباره روند شروع جلسات اعضای منتخب و تصمیماتشان از هفته بعد انتخابات تا امروز هم گفت: یک هفته پس از انتخابات آقای الویری به لحاظ اینکه از نظر سنی بزرگ‌ترین عضو شورای پنجم هستند، از همه اعضا دعوتی کردند که حدود ۱۷ نفر از اعضا توانستند حضور داشته باشند. در آن جلسه قرار شد که یک هیئت‌رئیسه سنی انتخاب شود که خیلی درگیر مباحث رقابتی نشویم. براین‌ساس آقای الویری رئیس سنی شد و دو نفر از اعضای جوان (آقای نظری و خانم آروین) منشی شدند. قرار شد نایب‌رئیس کسی باشد که در شورای چهارم هم حضور داشته و از تجربه و مباحث قبلی آگاه است و به‌این‌ترتیب آقای مسجدجامعی انتخاب شد. البته پیشنهاد این بود که چون تعداد خانم‌ها شش عضو است، یک نایب‌رئیس دوم هم از خانم‌ها داشته باشیم. او افزود: جلسه اول در دفتر بنیاد امید بود و جلسات بعد در دفتر آقای مسجدجامعی در محل شورای شهر برگزار شد. در جلسات بعد آقای چمران خوشامد گفتند و کمیسیون‌ها تقریبا شکل گرفت و برنامه‌های هیئت‌رئیسه برنامه‌ریزی شد. پس از آن قرار شد چند جلسه مهم داشته باشیم که براین‌اساس به ترتیب جلساتی با محمدرضا عارف، سیدمحمد خاتمی، اصلاح‌طلبان شورای شهر و نمایندگان امید در تهران برگزار شد. حق‌شناس در مورد حواشی انتخاب شهردار و گزینه‌های مطرح‌شده حتی از میان خود اعضا هم توضیحاتی داد. او به نتایج جلسات اشاره کرد و گفت: قرار شد به جای واردشدن به مصداق‌ها و افراد، معیارها را مشخص کنیم و اعضا هم موافقت کردند. در همین راستا، هفت طرح ارائه و قرار شد طراحان با هم ایده‌ها را مشترک کنند. در همین راستا، روی ۱۶ ویژگی برای شهردار تهران و فرایند انتخاب شهردار به توافق رسیدیم. در جلسه قبل، این ویژگی‌های ۱۶گانه بررسی و نهایی شد و در جلسه دو روز قبل هم درباره فرایند انتخاب شهردار بحث کردیم و به نتیجه رسیدیم. او می‌گوید طبق این توافق تا پایان این هفته فرایند انتخاب را آغاز می‌کنیم و هر عضو می‌تواند سه نامزد را به شورای منتخب معرفی کند. از طرفی تعیین شده است که کسی می‌تواند در بحث نهایی مطرح شود که حداقل پنج رأی اعضای شورای منتخب را داشته باشد؛ یعنی معرفی شرط لازم است؛ اما شرط کافی، داشتن رأی پنج عضو است.

این عضو شورای منتخب همچنین تاکید دارد که اسم‌هایی که مطرح می‌شود و گمانه‌زنی‌های ارائه شده در برخی رسانه‌ها و... در نتیجه لابی‌های افراد و جریان‌ها برای پرزنت‌کردن و شهرت‌دادن به خودشان یا نامزد مورد حمایت‌شان است و هیچ‌کدام هیچ پایه و اساسی ندارد. او درباره برخی از گمانه‌زنی‌ها درباره تمایل و پیشنهاد محسن هاشمی - نفر اول لیست امید - به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی شهرداری تهران هم گفت: تا جایی که می‌دانم آن ۱۵۰ نفری که در لیست شورای عالی اصلاح‌طلبان بودند، میثاق‌نامه برایشان ارسال شده بود و از آنها خواسته شده بود آن را امضا کنند و تا جایی که می‌دانم همه آن را امضا کردند. در یکی از بندهای این میثاق‌نامه آمده بود که اگر این افراد انتخاب شدند، برای هیچ کاری از شورا استعفا ندهند؛ اما بعد از انتخابات درباره یکی، دو نفر شنیدم که گفتند این میثاق‌نامه را امضا نکرده‌اند که البته به نظر من و علی‌القاعده باید همه امضا کرده باشند. حق‌شناس با تاکید بر اینکه یک جریان به مردم اعلام کرده افراد لیست را برای نمایندگی مردم قرار است انتخاب کنند افزود: طبیعتا انتظار مردم هم این است که آن افراد به این رأی احترام بگذارند و کسی که می‌خواهد از این رأی عدول کند، باید دلیلی قوی داشته باشد. او به تبعات مختلف خروج از لیست برای تصدی مسئولیتی دیگر غیر از شورا اشاره کرد و گفت: اگر یک نفر از اعضای لیست امید خارج شود، طبیعتا یکی از علی‌البدل‌ها وارد می‌شود. مسئله مهم این است که جامعه به این موضوع حساسیت دارد و برایش مهم است که وقتی با این حجم رأی بی‌سابقه تفاوت معنی‌داری بین نفر آخر لیست امید و نفر اول لیست رقیب ایجاد کرده است، دیگر کسی از لیست رقیب وارد شورا نشود. حق‌شناس به سابقه چنین اتفاقی اشاره کرد و گفت: در دوره دوم شورای شهر تهران لیست آبادگران ایران اسلامی وارد شورا شدند و پیشنهادهای زیادی از سوی دولت که همراهشان هم بود برای اعضا وجود داشت؛ اما برای اینکه لیست دست‌نخورده بماند و آقای تاج‌زاده که اولین علی‌البدل بود وارد نشود، چهار سال بدون تغییر کار کردند. این نماینده مردم تهران تأکید می‌کند اگر چنین اتفاقی برای لیست تهران رخ دهد، به مردم و جامعه برمی‌خورد.

حق‌شناس به‌عنوان یکی از اعضایی که در کمیسیون فرهنگی شورای پنجم حضور خواهد داشت، به‌دنبال پیگیری امورات فرهنگی و هنری و رسانه‌ای است و در همین راستا می‌گوید چند روز قبل دیداری با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته است تا درباره دغدغه‌های مشترک صحبت کنند. او می‌گوید نحوه همکاری با شهرداری و وزارت فرهنگ و ارشاد اهمیت زیادی دارد و در شهر ۱۳ میلیونی تهران که به‌شدت زنده است و تأثیرگذار، باید شرایط را متفاوت دید، چراکه اثرات این اقدامات در شهرهای دیگر و در سطح ملی دیده می‌شود. او به نقل از صالحی‌امیری، گفت: ایشان بودجه هزارو ۷۰۰ میلیاردی بخش فرهنگی و اجتماعی در شهرداری تهران را با بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مقایسه کردند و اینکه سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌ها در این زمینه‌های مشترک چقدر می‌تواند مؤثر باشد. او گفت حضورش در کمیسیون فرهنگی برای پیگیری دغدغه‌های حوزه فرهنگ و هنر و رسانه بوده است و افزود: قطعا برای مباحثی مثل سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی، رسانه و... در تهران اقدامات زیادی انجام شده است؛ اما این شهر به اقدامات بیشتری نیاز دارد و بسیاری از این خدمات می‌تواند در خدمت فرهنگ و هنر و هنرمندان هم باشد.

صدای اعتراض مترو

شرق: جمعی از کارکنان شرکت بهره‌برداری مترو تهران روز گذشته در مقابل این شرکت تجمع کردند و روی برگه‌هایی که به‌همراه داشتند نوشته بودند «سکوت شورای شهر، خیانت است به ملت»، «مدیریت جهادی با حق‌خوری نمیشه» و «پول‌های بلوکه‌شده را به صندوق‌های تعاونی برگردانید». در میان برخی از دلایل این تجمع که در فضای مجازی منتشر شده است، به‌کارگیری و دادن پست به فرزند مدیرعامل یا فرزندان برخی از هنرمندان از جمله دلایل عدم‌اطمینان و دلسردی کارکنان عنوان شده است.

معاون شهردار تهران سه‌شنبه هفته گذشته برای ارائه گزارش مفصل و البته دیرهنگام از وضعیت استخدام‌های جدید و بدون‌ضابطه در شهرداری تهران در صحن علنی شورای شهر تهران حاضر شد و در کنار این گزارش در مورد استخدام‌های غیرقانونی در شرکت بهره‌برداری مترو تهران هم توضیحاتی را داد.

تشکری‌هاشمی، در کنار گزارش خود، از دلخوری و ناراحتی کارکنان شریف مترو تهران پس از انتشار این اخبار و ترس از آبرویشان گفت، اما در مورد اینکه پس از این استخدام‌ها و بسیاری از اقدامات تفرقه‌جویانه در این مجموعه چه میزان به نارضایتی کارکنان مترو افزوده شده است، صحبتی نکرد. در همان جلسه رحمت‌الله حافظی و محسن سرخو به این اعتراضات کارگری و کارمندی در شرکت مترو اشاره کردند و محسن سرخو که استخدام در شرکت بهره‌برداری مترو را در دوره‌ای خاص (سال ۹۲) فله‌ای خوانده بود، در اظهاراتی گفت: علاوه‌براین تبعیض در پرداخت‌ها همچون ایاب و ذهاب و... و عدم دریافت مزایای یکسان باعث نارضایتی و ایجاد احساس تبعیض بین پرسنل شده است. او درحالی‌که مدعی بود می‌تواند با مستندات و اطلاعات بیشتر در این مورد صحبت کند، گفت: از میان استخدام‌های سال ۹۲ با اسم و مشخصات می‌توانم بگویم که این افراد نباید استخدام می‌شدند؛ فرزند هنرپیشه معروف یا دو فرزند مدیرکل یکی از سازمان‌ها که در فعالیت‌های انتخاباتی نیز حضور داشته، جذب مترو شده و بدون طبقه‌بندی مشاغل بعد از دو ماه حکم ریاست گرفته‌اند؛ باید بگویم این مسائل است که باعث سرخوردگی پرسنل می‌شود و باید فکری به حال آن کرد.

از سال ۹۴ که حسابرس مستقل، گزارش حسابرسی خود از سال ۹۲ شرکت‌ها و سازمان‌های شهرداری تهران را به شورا ارائه داد و در ادامه جزئیاتی از استخدام بیش از دوهزارو ۷۰۰ نفر از افراد غیر در شرکت بهره‌برداری مترو تهران اعلام شد، تا امروز، کارکنان مترو در مورد این اخبار و استخدام‌ها صحبت یا اعتراض رسمی و عیانی نداشتند. استخدام‌ها انجام شده بود و کاری نمی‌شد از پیش برد، این‌گونه بود که شرکت مترو برای این افراد بعد از دو سال شغلی را تعریف و سعی در آموزش آنها کرد و خیلی زود تغییرات و جابه‌جایی‌ها در این مجموعه شروع شد؛ جابه‌جایی‌هایی که مثل دم خروس هرچقدر هم پنهان باشند بالاخره از جایی بیرون می‌زنند و این‌گونه بود که پس از گزارش‌های متعدد بالاخره تعدادی از پرسنل مترو روز گذشته به‌واسطه برخی از اجحاف‌ها و تبعیض‌ها و سوءمدیریت در مقابل این مجموعه تجمع کردند. این کارکنان روی برگه‌هایی که به‌همراه داشتند نوشته بودند: «سکوت شورای شهر، خیانت است به ملت»، «مدیریت جهادی با حق‌خوری نمیشه» و «پول‌های بلوکه‌شده را به صندوق‌های تعاونی برگردانید». در میان برخی از دلایل این تجمع که در فضای مجازی منتشر شده است، به‌کارگیری و دادن پست به فرزند مدیرعامل یا فرزندان برخی از هنرمندان از جمله دلایل عدم اطمینان و دلسردی کارکنان عنوان شده است. این مورد اخیر یکی از مواردی است که پیش‌تر هم به‌واسطه استخدام برخی از مداحان و اعضای خانواده آنها در شرکت بهره‌برداری مترو تهران مورد اعتراض قرار گرفته بود و اعضای شورای شهر تهران هم به آن اذعان داشتند.

به گزارش «شرق»، در حسابرسی مستقل از شرکت بهره‌برداری مترو تهران در سال ۹۲ موارد مختلفی از تخلفات رده‌های مختلف وجود دارد که پیش‌تر رحمت‌الله حافظی برخی از آنها را به طور کامل تشریح کرده است. در بندی از این گزارش آمده است: ... به طور مستمر بخشی از مبالغ فروش روزانه در اختیار متصدیان فروش قرار دارد و کل وجوه بلیت‌های فروش‌رفته روزانه به‌اشتباه به حساب‌های بانکی شخصی مسئولان هر ایستگاه واریز و به صورت دوره‌ای به حساب‌های شرکت منتقل می‌شود و مستنداتی درخصوص اینکه با گزارشات نرم‌افزارهای کنترلی تردد و مصرف روزانه مسافران تطبیق و مغایرت‌گیری می‌شود در اختیار نبوده است.

در یکی دیگر از بندها آمده است: براساس آیین‌نامه برخورداری پرسنل از مسکن تأمین‌شده توسط شرکت مترو و به‌موجب صورتجلسه مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۵ کلیه منازل سازمانی شرکت مذکور به تعداد ۳۴۸ واحد به پرسنل واحد مورد رسیدگی واگذار شده‌اند و از این بابت مبلغ ۱۶،۳ میلیارد ریال (شامل مبلغ ۱۲ میلیارد ریال در سال‌های قبل و مبلغ ۴،۳ میلیارد ریال در سال مالی مورد گزارش) از حقوق پرسنل کسر و به حساب سایر درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی سال‌های مربوط منظور شده است. با توجه به اینکه ساختمان‌های مزبور متعلق به شرکت مترو می‌باشد لذا شناسایی درآمد مذکور در سال‌های مختلف موضوعیت نداشته و باید به حساب بدهی به شرکت مترو منظور گردند.

در بند دیگری آمده است: هزینه‌های پرسنلی در قسمت‌های عملیاتی (بهای تمام‌شده) و هزینه‌های اداری و عمومی به دلیل جذب زیاد نیروهای جدید به‌ترتیب به مبالغ ۸۱۶ میلیارد ریال و به میزان ۵۴ درصد و ۴۶۳ میلیارد ریال و به میزان ۶۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است و موجب انحراف نامساعد نسبت به بودجه مصوب گردیده است. در این خصوص دلایل و توجیهات و آنالیز جزئیات این میزان انحراف نامساعد به‌ویژه در قسمت‌های پشتیبانی، با توجه به دراختیارداشتن جمعا ۱۱،۹۲۰ نفر نیرو (هشت هزارو ۵۲۸ نفر پرسنل مستقیم و سه‌هزارو ۳۹۲ نیروی پیمانکاران شرکتی) علیرغم مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ مبنی‌بر تثبیت سقف تعداد ۹۳۹۶ نفر پرسنل برای این موسسه محرز نگردیده است. همچنین در یکی دیگر از بندها آمده است: بررسی‌های به‌عمل‌آمده حاکی از آن است که طی سال مورد گزارش (۹۲) یک قطعه زمین به مساحت ۳۴،۵ هزارمترمربع از اراضی شرکت مترو (اصلی) در پایانه خط ۲ مترو تهران (دردشت) به مبلغ بالغ بر ۳۵۴ میلیارد ریال از قرار هر مترمربع ۱۰ میلیون ریال توسط تعاونی مسکن شرکت بهره‌برداری به صورت اقساطی از شرکت مترو خریداری شده است. در این ارتباط مجوزها و توجیهات و مستندات لازم و نحوه ثبت و اعمال در حساب‌های شرکت و نیز نوع ارتباط تعاونی مسکن مزبور با شرکت بهره‌برداری در اختیار این مؤسسه قرار نگرفته است.

خبر

مرگ ۱۴۵ نفر به دلیل غرق‌شدن در سواحل شمال در سال گذشته

• **شرق:** معاون فنی و رئیس گروه پیشگیری از حوادث دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت با اشاره به روند روبه‌رشد غرق‌شدگی در سواحل شمالی کشور گفت: ۱۴۵ نفر در سال ۹۵ بر اثر غرق‌شدگی جان خود را از دست دادند. دکتر علیرضا مغیثی، گفت: در سال ۱۳۹۵ براساس اطلاعات ثبت‌شده از مراکز بهداشتی درمانی و بیمارستان‌های استان‌های شمالی کشور تعداد غرق‌شدگان در این سال ۶۱۵ نفر ثبت شده است که از این تعداد ۱۴۵ نفر (۲۳ درصد) فوت شدند. وی افزود: نسبت غرق‌شدگان ۷۵ درصد مرد و ۲۵ درصد زن بودند و از کل فوت‌شدگان این حادثه ۸۸،۷ درصد مرد و ۱۱،۳ درصد زن بودند.

ادامه از صفحه اول

هشدار درباره بازگشت به عقب

هنوز بیش از سه سال از تصویب و اجرای این قانون نگذشته بود که افزایش چشمگیر در نمودارهای تولید و آن‌هم در فضای نگرانی‌های اقلیمی از پیامدهایی نیکو خبر داد. گرچه در این مدت فضاسازی بعضی رسانه‌ها که اعتراضات حلقه‌های واردکننده را به نام حمایت از مصرف سر می‌دادند و فشار ایذایی آنان از سرزنش‌های خار مغیلان این اجرا نشانه‌ها داشت. سرانجام اجرای قانون تمرکز وظایف در بخش کشاورزی توانست زنجیره تولید (مزرعه تا سفره) را در اولویت کارهای خود قرار دهد. لایحه اخیر دولت برای جدایی دوباره بخش بازرگانی از حوزه اختیارات وزارت جهاد کشاورزی با قید دو فوریت و بدون هیچ ارزیابی دقیق کارشناسی از تداوم دور باطل «آزمون و خطا» خبر می‌دهد؛ دولتی که خود و به اتکای اجرای این قانون توانست در مسیر دستیابی به تأمین امنیت غذایی گام‌های بزرگی بردارد. خوشبختانه تبدیل قید دوفوریت این لایحه با تصویب نمایندگان به «یک فوریت» فرصت مناسبی را برای بررسی بیشتر جنبه‌های مثبت و کاستی‌های «قانون تمرکز» فراهم آورد. از این بابت نیز باید از این دوراندیشی مجلس محترم سپاسگزاری کرد. در تبصره یک این ماده آمده است، با تصویب این لایحه، قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی - مصوب ۱۳۹۱- (به استثناء ماده ۲ و تبصره آن) لغو و همه وظایف و اختیارات واگذارشده به موجب این قانون از وزارت جهاد کشاورزی به وزارت بازرگانی منتقل می‌شود. پرسش کلیدی این نوشتار از ارائه‌دهندگان این لایحه جدید آن است که آیا وزارت جهاد کشاورزی هم به‌عنوان مجری این قانون در تدوین این لایحه مشارکت داشته است؟ اساسا بر اساس چه مبانی و توجیهاتی ارائه چنین لایحه‌ای ضرورت پیدا کرده است؟ آیا بهتر نبود دلایل ارائه این لایحه در محافل و میزگردهای کارشناسی به داوری گذاشته می‌شد؟ آیا عدم توفیق مدعیان، ناشی از کاستی‌های خود قانون یا در شیوه و ساختار اجرائی آن بوده است؟ اگر حتی بپذیریم که این قانون به‌درستی اجرا نشده است، بازگشت به عصر و دوره‌های پیشین امری عقلایی نیست؛ دوره‌هایی که به‌واسطه چالش‌های فراروی تولید، تصویب «قانون تمرکز» صورت گرفت.

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و دومرحله ای شماره ۱/۹۶/۰۱۵ت

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

تعمیرات اساسی ، بازسازی و نصب یک دستگاه توربین MAN-TURBO مدل THM1304 مربوط به توربوژنراتور ردیف B پالایشگاه NGL منطقه سیری

نوبت دوم

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد انجام خدمات فوق الذکر را طبق شرح کار تدوین شده از طریق مناقصه عمومی و دومرحله ای و به مدت ۱۲ ماه به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید:

الف: خدمات مورد نیاز: تعمیرات اساسی ، بازسازی ، نوسازی و نصب یک دستگاه توربین MAN-TURBO مدل THM1304

ب: محل اجرای خدمات: پالایشگاه NGL منطقه سیری

ج: مدت خدمات مورد نیاز: ۱۲ ماه .

د: شرایط متقاضی:

۱-توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳/۱۳۴/۰۵۰/۰۰۰ (سه میلیارد و یکصد و سی و چهار میلیون و پنجاه هزار) ریال و انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن.

۲ -توانائی ارائه ضمانتنامه اجرای تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد و نیز کسر ۱۰٪ از هریک از پرداختهای قراردادی جهت تضمین حسن انجام کار.

۳- دارا بودن گواهینامه صلاحیت جهت تعمیرات اساسی توربین MAN-TURBO مدل THM1304 از کمیته تشخیص صلاحیت و رتبه بندی شرکتهای خدمات تعمیرات اساسی دوار و فرآیندی معاونت امور مهندسی وزارت نفت.

و:سایر شرایط :

۱- به تقاضاهای مشروط و مبهم و ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در این آگهی و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۲ -پیشنهادات مالی می بایستی حداقل سه ماه پس از وصول پیشنهادات به کمیسیون مناقصات شرکت نفت فلات قاره ایران دارای اعتبار باشند.

۳- قراردادهای منتهی به مناقصات ۱/۹۶/۰۱۶ت و ۱/۹۶/۰۱۵ت به دو پیمانکار جداگانه واگذار خواهدگردید.

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میشود حداکثر ظرف ده روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم، درخواست کتبی خود را به همراه مدارک مشروحه ذیل به آدرس ذیل الذکر اعلام و همزمان حضورا نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کیفی اقدام نمایند.

۱- اساسنامه شرکت (تصویر صفحه اول اساسنامه که موضوع شرکت در آن ذکر شده باشد)

۲- آگهی تاسیس، ثبت و آخرین تغییرات شرکت مندرج در روزنامه رسمی.

۳- ارائه گواهینامه صلاحیت جهت تعمیرات اساسی توربین MAN-TURBO مدل THM1304 از کمیته تشخیص صلاحیت و رتبه بندی شرکتهای خدمات تعمیرات اساسی ماشینهای دوار و فرآیندی معاونت امور مهندسی وزارت نفت .

۴- اعلام آمادگی و معرفی نامه شرکت متقاضی جهت دریافت اسناد

ضمنا می بایستی ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ پایان دریافت مدارک ارزیابی کیفی اطلاعات مورد درخواست به آدرس ذیل در مقابل رسید تحویل گردد.محل و زمان تحویل و گشایش پیشنهادها در اسناد مناقصه قید میگردد.

نشانی: محل اعلام آمادگی و دریافت اسناد:تهران ،خیابان ولی عصر ، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان تورج ، خیابان خاکزاد ، شماره ۱۲ ، شرکت نفت فلات قاره ایران ، طبقه ۵ ، امور قراردادها - تلفن :۲۳۹۴۲۵۱۱

تبصره : متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در روز آگهی نوبت دوم به سایت اینترنتی این شرکت به نشانی www.iooc.co.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

شماره مجوز ۱۳۹۶.۱۲۹۲